

عزالدین ابن ابی الحدید معتزلی

(۶۵۶ - ۵۶۸ هجری قمری)

شرح

فتوح البلاغه

تلخیص و ترجمه

محمود رضا افتخارزاده



موسسه انتشارات مآب



نام کتاب	: شرح نهج البلاغه جلد اول
مؤلف	: ابن ابی الحدید معتزلی
تلیخیص و ترجمہ	: دکتہ محمود رضا افتخارزادہ
ناشر	: موسسہ انتشارات مدبر
ناف چاپ	: اردلان خوشبخت مروی
قطع	: وزیری جلد اول ۸۴۸ صفحہ جمع سہ جلد ۲۴۷۲ صفحہ
تیراؤ	: ۱۱۰۰ دورہ دو رنگ
نوبت چاپ	: اول ۱۳۹۳ خورشیدی - ۱۴۳۶ مہسیدی
حروف چینی	: فیروزخانی
صفحہ بندی	: الحسن و حسن فیروزخانی
لیتوگرافی	: موسسہ انتشارات مدبر
چاپ	: چاپخانہ مدبر
قیمت دورہ ۳ جلدی	: ۱۵۰ روپے

این اثر مشمول حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان بموجب ۴۸ می باشد، هر نوع استفاده تجاری و بازرگانی از این کتاب (نهج البلاغه) اعم از بازتولید، خلاصه نویسی، ریز، کپی، اسکن، کامپیوتری، الکترونیکی لوح فشرده (CD) شبکه اطلاع رسانی، انواع بزرگ و اهاهی اطلاع رسانی، چاپ، انتشار، ترجمه و برگردان نه هر یک از آنها یا باهمی و نه دنیا و... هر نوع تکثیر کلا و جزء بدون موافق کمی و کیفی و... قابل تعقیب قانونی می باشد.

پست الکترونیکی: info@modabber-co.ir صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۱۵۵

[illegible]

ISBN : 978-964-6631-81-6

شماره: ۹۷۸-۹۶۲-۶۶۳۱-۸۱-۶

ISBN : 978-964-6631-84-7

مشیت کی: ۷-۸۲-۶۶۳۱-۹۶۴-۹۷۸

این کتاب با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام چاپ شده است.

یادداشت ناشر

در دنیای امروز که همه چیز در حال دگرگونی است و هر روز پدیده‌ای جای پدیده دیگر را می‌گیرد و خود در حالت ناستواری در برابر نورسیده‌ای رنگ از دامن چیزی که پابرجا بماند، بسیار شگرف و ستودنی است. از آن زمان که بشر هم را مدون نمود، تا عصر حاضر که در تکامل آن کوشیده و پرده از ناآشناها بسیار برکشیده است، نظریات گوناگونی ابراز داشته که هر کدام در جایگاه خود و برهه‌ای از زمان حائز اهمیت بوده‌اند، اما پس از چندی منسوخ گشته و تنوع‌های فنی جایگزین آنها شده‌اند که شواهد آن *أظهر من الشمس* است.

چه بسیار ستم‌ها برده‌اند و چه فراوان فلسفه‌ها که مردود گشته‌اند و عقایدی که خود قابل اضمحلال را داشته‌اند، جانشین آنها گردیده‌اند. تاکنون تعداد بی‌شماری کتب و رسالت در زمینه‌های مختلف علمی، اخلاقی، اجتماعی و حتی مذهبی نگاشته شده‌اند که بیرون از این آثارها از دیدگاه انسان امروزی قابل تأمل نیستند؛ بنابراین اگر اثری از گذشته برتر توانسته ماند خود را تا به امروز نگاه داشته و ثابت و استوار باقی بماند و در زمان مستقیم نگیرد، بلکه از آن سبقت گیرد، شایان بسی تحسین و سزاوار ستایش فراوان است.

بدون هیچ مبالغه و تعصبی آنچه که از امیرمؤمنان علیه السلام تحت عنوان نهج‌البلاغه به یادگار مانده است، تنها اثری است که دست ستم‌ها و زمان و دوران نتوانسته است کوچک‌ترین خللی در ارکان محکم آن ایجاد دهد و از آن روزی که عالم و فقیه بزرگوار سید ابوالحسن محمد رضی مشهور به سید مرتضی علیه السلام ۳۵۹ هجری قمری و در ۴۷ سال زندگی پر برکتش در سال ۴۰۶؛ دار فانی را وداع گفت و به جوار رحمت حق پیوست، از جانب پدر با پنج واسطه به حضرت موسی بن جعفر امام هفتم علیه السلام می‌رسد و از جانب مادر نیز علوی می‌باشد، مادر وی فاطمه از نواده ناصر کبیر است که با واسطه به حضرت امام زین العابدین علیه السلام می‌رسد، سیدرضی دانشمند دینی، شاعر برازنده عصر، نویسنده کم نظیر و دارای مناسب مهمی بود که می‌باید به شخصیت بزرگی چون او تعلق گیرد مانند نقابت^۱ و امارت حاج و ریاست دیوان مظالم^۲ به تدوین این کتاب ارزشمند همت گماشت، هر روز بیش از پیش مصداق *الافصح*

فالانصح و الاتبلغ فالابلاغ. در رابطه با این سخنان گهربار نمایان تر گردیده است. بحر موج و ژرف نهج البلاغه پس از اقبانوس بیکران قرآن کریم نه تنها از لحاظ فن بلاغت و خطابت و نکته‌های ادبی، اخلاقی، اجتماعی و دینی بی‌بدلیل است، بلکه از جهت علمی نیز به نکاتی اشاره دارد که گوشه‌هایی از آن در پایان قرن بیستم بر انسان‌ها آشکار گشته است و چه مقدار زمان طولانی که بشر باید در آینده پیماید تا نکات دیگری از گفته‌های علمی آن حضرت را دریابد.

در حقیقت نهج البلاغه کتاب یک زمان معین نیست، بلکه همواره فراتر از هر زمانی پیش می‌رود و انسان در هر دوران به فراخور درک و معرفت خود می‌تواند از آن توشه برگیرد.

سخنان گهربار مولی الموحدين، امیرالمؤمنین علیه السلام، درس انسان‌سازی و آموزش توحید است که اگر به کار گرفته شود هیچ مشکلی لاینحل باقی نخواهد ماند. هرگز گری بر کارها نخواهد خورد. هر کس از باب او وارد شود هیچ‌گاه به در بسته‌ای نخواهد رسید، زیرا که از دید وسیع آن حضرت چیزی در رابطه با تعالی نزدیک شدنش به خداوند تبارک و تعالی، پنهان نمانده است. آنچه گفتنی و قابل تأمل در نهج البلاغه مندرج است و کتابی را که در دست دارید، کامل‌ترین اثری از این کارها و نامه‌های آن حضرت است تحت عنوان شرح نهج البلاغه، ترجمه دکتر محمد باقر افتخار زاده را که یکی از عالی‌ترین ترجمه‌های نهج البلاغه می‌باشد، و متن بسیار از صبحی صالح، که کامل‌ترین و سالم‌ترین متن نهج البلاغه می‌باشد پس از کتاب و بسیار و سال پیگیری و صرف هزینه بسیار بالاخره به دستمان رسید و بر آن شکر کنیم را سرعت بیشتری بدهیم تا علاقمندان آستان امامت و ولایت از این چشم‌پوشان و فیاض بی‌بهره نمانند. امید آنکه این عمل مورد قبول درگاه احدیت و مقام شامخ امامت و همچنین رضایت عموم مسلمین، به ویژه شیعیان آن حضرت واقع گردد.

سید حسن

احمد رشید مروی

(۱) - به معنی سرپرستی تمام مرد و زن که به حضرت ابی طالب پدر امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده اند این

منصب را (نقابت طالبین) می‌خوانند.

(۲) - از کتاب «سید رضی مؤلف نهج البلاغه» جاب اول ۱۳۷۸ نوشته علی دوانی، چاپ بنیاد نهج البلاغه.

فهرست

۱۹.....	مقدمه مترجم
خطبه ۱	
۳۲.....	از سخنان آن حضرت علیه السلام
خطبه ۲	
۴۴.....	از سخنان آن حضرت علیه السلام
خطبه ۳	
۵۹.....	از سخنان آن حضرت علیه السلام
خطبه ۴	
۸۱.....	از سخنان آن حضرت علیه السلام
خطبه ۵	
۸۵.....	از سخنان آن حضرت علیه السلام
خطبه ۶	
۹۰.....	از سخنان آن حضرت علیه السلام
خطبه ۷	
۹۳.....	از سخنان آن حضرت علیه السلام
خطبه ۸	
۹۵.....	از سخنان آن حضرت علیه السلام
خطبه ۹	
۱۰۰.....	از سخنان آن حضرت علیه السلام
خطبه ۱۰	
۱۰۴.....	از سخنان آن حضرت علیه السلام
خطبه ۱۱	
۱۰۶.....	از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۱۲

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۱۱

خطبة ۱۳

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۱۶

خطبة ۱۴

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۲۰

خطبة ۱۵

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۲۲

خطبة ۱۶

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۲۷

خطبة ۱۷

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۳۴

خطبة ۱۸

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۳۸

خطبة ۱۹

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۴۲

خطبة ۲۰

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۴۷

خطبة ۲۱

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۴۹

خطبة ۲۲

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۵۲

خطبة ۲۳

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۶۰

خطبة ۲۴

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۱۶۴

خطبه ۲۵	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۱۶۷
خطبه ۲۶	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۱۷۷
خطبه ۲۷	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۱۹۴
خطبه ۲۸	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۲۰۳
خطبه ۲۹	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۲۰۷
خطبه ۳۰	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۲۱۱
خطبه ۳۱	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۲۱۵
خطبه ۳۲	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۲۲۰
خطبه ۳۳	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۲۲۵
خطبه ۳۴	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۲۳۱
خطبه ۳۵	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۲۳۷
خطبه ۳۶	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۲۴۱
خطبه ۳۷	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۲۵۴

خطبة ۳۸

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۲۶۰

خطبة ۳۹

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۲۶۳

خطبة ۴۰

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۲۶۷

خطبة ۴۱

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۲۷۱

خطبة ۴۲

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۲۷۶

خطبة ۴۳

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۲۷۸

خطبة ۴۴

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۲۸۲

خطبة ۴۵

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۲۸۷

خطبة ۴۶

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۲۹۲

خطبة ۴۷

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۲۹۷

خطبة ۴۸

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۳۰۰

خطبة ۴۹

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۳۰۹

خطبة ۵۰

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۳۱۱

خطبة ۵۱	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۱۳
خطبة ۵۲	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۱۹
خطبة ۵۳	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۲۱
خطبة ۵۴	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۲۳
خطبة ۵۵	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۲۸
خطبة ۵۶	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۳۲
خطبة ۵۷	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۳۶
خطبة ۵۸	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۵۱
خطبة ۵۹	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۵۴
خطبة ۶۰	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۵۸
خطبة ۶۱	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۶۰
خطبة ۶۲	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۶۷
خطبة ۶۳	از سخنان آن حضرت علیه السلام	۳۷۰

خطبة ۶۴

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۳۷۳

خطبة ۶۵

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۳۷۷

خطبة ۶۶

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۳۸۰

خطبة ۶۷

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۳۸۵

خطبة ۶۸

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۳۹۸

خطبة ۶۹

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۴۰۱

خطبة ۷۰

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۴۰۵

خطبة ۷۱

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۴۱۲

خطبة ۷۲

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۴۱۸

خطبة ۷۳

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۴۲۱

خطبة ۷۴

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۴۲۵

خطبة ۷۵

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۴۲۹

خطبة ۷۶

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۴۳۳

خطبة ۷۷	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۴۳۵	
خطبة ۷۸	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۴۳۸	
خطبة ۷۹	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۴۴۲	
خطبة ۸۰	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۴۴۶	
خطبة ۸۱	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۴۵۵	
خطبة ۸۲	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۴۵۷	
خطبة ۸۳	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۴۶۸	
خطبة ۸۴	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۴۷۹	
خطبة ۸۵	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۴۸۸	
خطبة ۸۶	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۴۹۳	
خطبة ۸۷	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۵۰۰	
خطبة ۸۸	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۵۱۲	
خطبة ۸۹	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۵۱۵	

خطبة ۹۰

۵۱۹..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۹۱

۵۳۷..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۹۲

۵۵۲..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۹۳

۵۶۱..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۹۴

۵۷۳..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۹۵

۵۷۶..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۹۶

۵۷۸..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۹۷

۵۸۲..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۹۸

۵۹۰..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۹۹

۵۹۳..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۱۰۰

۵۹۷..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۱۰۱

۶۰۳..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۱۰۲

۶۰۹..... از سخنان آن حضرت علیه السلام

خطبة ۱۰۳

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۱۵

خطبة ۱۰۴

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۱۹

خطبة ۱۰۵

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۲۴

خطبة ۱۰۶

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۳۵

خطبة ۱۰۷

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۴۲

خطبة ۱۰۸

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۴۶

خطبة ۱۰۹

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۵۶

خطبة ۱۱۰

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۶۷

خطبة ۱۱۱

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۷۳

خطبة ۱۱۲

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۷۷

خطبة ۱۱۳

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۸۱

خطبة ۱۱۴

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۸۶

خطبة ۱۱۵

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۶۹۲

خطبة ۱۱۶	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۶۹۶	
خطبة ۱۱۷	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۰۰	
خطبة ۱۱۸	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۰۱	
خطبة ۱۱۹	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۰۴	
خطبة ۱۲۰	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۰۷	
خطبة ۱۲۱	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۱۲	
خطبة ۱۲۲	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۱۸	
خطبة ۱۲۳	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۲۱	
خطبة ۱۲۴	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۲۴	
خطبة ۱۲۵	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۳۰	
خطبة ۱۲۶	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۳۳	
خطبة ۱۲۷	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۳۸	
خطبة ۱۲۸	از سخنان آن حضرت علیه السلام
۷۴۵	

خطبة ۱۲۹	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۷۵۴
خطبة ۱۳۰	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۷۵۷
خطبة ۱۳۱	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۷۶۵
خطبة ۱۳۲	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۷۶۹
خطبة ۱۳۳	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۷۷۳
خطبة ۱۳۴	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۷۷۹
خطبة ۱۳۵	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۷۸۱
خطبة ۱۳۶	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۷۸۵
خطبة ۱۳۷	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۷۸۹
خطبة ۱۳۸	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۷۹۵
خطبة ۱۳۹	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۸۰۰
خطبة ۱۴۰	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۸۰۶
خطبة ۱۴۱	
از سخنان آن حضرت علیه السلام	۸۰۸

خطبة ۱۴۲

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۸۱۰

خطبة ۱۴۳

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۸۱۳

خطبة ۱۴۴

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۸۱۷

خطبة ۱۴۵

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۸۲۲

خطبة ۱۴۶

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۸۲۵

خطبة ۱۴۷

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۸۳۰

خطبة ۱۴۸

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۸۳۵

خطبة ۱۴۹

از سخنان آن حضرت علیه السلام ۸۴۲

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

مترجم این کتاب تالیف عزالدین ابو حامد پسر هبة الله بن محمد بن محمد بن حسین بن ابی الحدید مدائنی، معروف به ابن ابی الحدید معتزلی است. این ابی الحدید مدائنی، شاعر، عالم، محدث، اصولی، فقیه، متکلم و موزخ برجسته ایرانی روزگار پانزدهم هجری است. وجه تسمیه معتزلی به دلیل گرایش او به مکتب کلامی معتزله بغداد است!

وی در آغاز ماه ذی حجه سال ۸۸۸ هجری قمری در تیسفون یا مدائن بزاز و زیست و دانش آموخت و با مذاهب کلامی روزگار آشنایی پیدا کرد!

اشعار و آثار روزگار جوانی او نشان از آشنایی وی نیز چون بیشتر مردم مدائن، شیعه امامی دو آتشه‌ای بوده است. در پی جدایی از مکتب معتزله و گرایش به مذهب کلامی معتزله، دیدگاه اعتقادی - کلامی او دگرگون شد. اما جدایی وی به اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ به قوت خویش باقی ماند. او این واقعیت را در کتاب شرح بیست جلدی نهج البلاغه نشان می‌دهد. شاید که اعتزال کلامی او از سوی نزدیکان وی به دربار خلافت و دولت عباسی از دیگر سو او را به نوعی مماشات با اهل بیت تقیه کشانده باشد. با این همه، ابن ابی الحدید تعلقی خاطری به عربان نداشت و با اهل بیت خودن خویش استوار بود. او که برای شرح نهج البلاغه، علاوه بر منابع دست اول و روا تاریخی کلامی، به مصاحبه با مشایخ بزرگ روزگارش روی آورده در گفتگو با نقاب علویان بصره، نقل می‌کند که: «باید دانست که اسلام، پس از رحلت رسول ﷺ در دل و درون اصحاب و مسلمانان جا یافت و آن هنگامی بود که پیاپی فتح و فتوح و کشورگشایی آغاز شد و اموال و غنائم سرشار و بسیار نصیب عربان گردید. یعنی هنگامی که عربان مزه زندگی را چشیدند و لذت دنیوی را شناختند؛ پوشاک نرم و لقمه

چرب و نوشاب گوارا پوشیدند و خوردند و نوشیدند و از زنان رومی کام گرفتند و بر گنجینه‌های قیصر و کسری دست یافتند و زندگی خشن و سخت بکوی و بیابانی را از یاد بردند و خوردن مار و مور و ملخ و سوسمار و موش و خرگوش و دیگر حشرات را فراموش کردند و به جای کرباس و پلاس، ابریشم و دیباچ پوشیدند و شیرینی‌های موم و شربت‌های گوارا و پالوده‌های سرد سر کشیدند و بر زر و سیم ایران و روم چنگ انداختند! وقتی چنین دیدند، اسلام عزیز شد! و سفت و سخت بر اسلام جسیبند و آن را پس بزرگ داشتند و گرمی و مقدس شمردند و آن همه شک و نفاق و سُخریه به ایمان و تقوی و اخلاص تبدیل شد! وقتی از برکت اسلام به آن همه جاه و مقام و ثروت و ثواب و قدرت و شوکت رسیدند، اسلام گرمی و عزیز گردید و آنان متدین و متعبد چر که اسلام را وسیله‌ای برای رسیدن به دنیا دیدند، از این رو نسبت به حریم و حرمت آن بی‌سبب ورزیدند و در بزرگداشت آن مبالغه بسیار کردند و پیامبری که اسلام را آورده بود، عزیز و محترم داشتند! اسلاف منافق و بی‌دین و ایمان، جای‌شان را به اخلاص متدین و مؤمن دادند! و براستی اگر آن کشورگشایی‌ها و رسیدن به آن همه قدرت و ثروت دنیا نبود، اسلام پس از رحلت رسول ﷺ در همان جزیره العرب خاموش و فراموش می‌شد! اینها یادی و نامی از آن در تاریخ می‌ماند!.

شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه بسیار خواندنی و سرشار از تازه‌های دست نیافتنی است، چرا که آن مرحوم با مشایخ بزرگ حدیث، کلام و تاریخ روزگارش مصاحبه و گفتگو کرده و از آن نواخ اندیشه و مسائل مطالی نقل کرده که براستی بی‌مانند و به یاد ماندنی و جاودانه است. او در تحلیل روانه سقیفه، در گفتگوی با یکی از مشایخ برجسته کلام روزگارش می‌نویسد: «تنها قدرت و ثروت و دستیابی به زر و زیور و زیبایی‌های زندگی دنیوی، همواره عامل غصب حجت الهی نیست، آنچه در آغاز روی داد، عطش مقام و جاه دنیوی بود و گرفتار هر یک تا کرباس می‌پوشیدند و نان جوین می‌خوردند و از لذایذ دنیوی دوری می‌کردند و شخصی را که به امر و نهی و همان عنوان خلیفه مسلمین و امیر مؤمنین بود و همین باعث آن رویداد گردید!».

ابن ابی الحدید به توصیه علقمی، وزیر شیعه‌ی آخرین خلیفه عباسی، به شرح نهج البلاغه علوی پرداخت. او به هنگام یورش مغولان به ایران و عراق و سرانجام

محاصره بغداد، همچنان مشغول تألیف این شرح بوده است. وی در شرح خطبه ۱۲۸، آنجا که حضرت علیه السلام از یورش مغولان خبر داده است می نویسد: «خبر غیبی حضرت علیه السلام درباره مغولان را ما امروز در روزگار خود به عیان دیده و می بینیم. رویدادی که مردم از آغاز اسلام چشم براه آن بوده اند، اکنون در زمان ما روی داده و ما در جهان اسلام گرفتار مغولان شده ایم. مغولان تاتارانی هستند که از خاور دور به سوی آسیای مرکزی رو آورده اند و اکنون سپاهشان به عراق و شام رسیده است. بر ما ماوراء النهر و خراسان و دیگر سرزمین های عجم چنگ انداخته اند. فتنه ای که تاریخ از آغاز تا کنون به یاد ندارد... هم اکنون که این شرح را می نویسم بغداد در محاصره است، من می وزیر، همه کاره خلافت و دولت است و رتق و فتق امور به دست با من است. او به در جنگ حضور نیافته و برای سامان دادن امور در دار الخلافه مانند من است. ای سواد اسلام از درایت و تدبیر او بهره مند می شود...».

ابن ابی الحدید بغدادی دربار خلافت و دولت راه یافت. نخست کتاب دارالتشریفات شد و سپس کتاب دیوان خلافت گردید. اندکی بعد سرپرستی بیمارستان بغداد را بر عهده گرفت. سرپرستی کتابخانه های بغداد نیز با وی بود. ابن ابی الحدید دارای آثار ادبی، فقهی، بلاغی، روایی، تاریخی بسیاری است که نام شان زده اثر از او در تاریخ ادبیات اسلامی ثبت شده است: ۱- الاعتبار علی کتاب الذریعة. ۲- انتقاد المستصفی (نقد کتاب المستصفی تألیف غزالی توسی). ۳- حاشیه بر کتاب المفصل فی النحو. ۴- شرح کتاب المحض (تألیف رازی). ۵- شرح کتاب مشکلات الغرر (تألیف ابوالحسن بصری در کلام). ۶- در وزن سماع. ۷- شرح نهج البلاغه. ۸- شرح کتاب الیاقوت (تألیف ابن نوبخت. در کلام). ۹- فی غایت النقیض. ۱۰- العبقری الحسان (در کلام، تاریخ و ادبیات). ۱۱- الفلک (در نجوم). ۱۲- فی صائد السبع العلویات. ۱۳- المستصریات. ۱۴- نظم فصیح ثعلب. ۱۵- نظم المصنوع فی علم الاصول (نقد کتاب فخرالدین رازی). ۱۶- الوشاح الذهبی فی العلم النجفی. مورخان در زمان مرگ ابن ابی الحدید دچار اختلاف هستند. ابن شاکر در فهرست الوفیات و عیون التواریخ و ابن کثیر در البدایة و النهایة و عینی در عقد الجمان و ابن حبیب حلبی در دُرِّ الاسلاک مرگ او را در سال ۶۵۵ مهشیدی نوشته اند. صاحب کتاب نسمة السحر به نقل از الدیار بکری نوشته که وی هفده روز پیش از ورود مغولان به

بغداد درگذشته است. مغولان در ۲۰ محرم سال ۶۵۶ مهشیدی وارد بغداد شدند. ذهبی در سيرة النبلاء می‌گوید: «ابن ابی الحدید در ۵ جمادی الآخر سال ۶۵۶ مهشیدی درگذشته است».

ابن فوطی در کتاب مجمع الالقب گوید که: «ابن ابی الحدید سقوط بغداد را درک کرده، چرا که او و برادرش موفق الدین در خانه علقمی وزیر پناه گرفته بودند و از شمشیر مغولان رستند!».

ابن فوطی در کتاب الحوادث الجامعة گوید که: «عز الدین مرگ برادرش موفق الدین را در جمادی الثانی ۶۵۶ مهشیدی درک کرده و چهارده روز پس از مرگ برادرش بسته است!».

شرح نهج البلاغه تألیف ابن ابی الحدید را سرشار از ناگفته‌های تاریخی یافتیم، از این رو آن را در سربالایختی ریختیم و آنچه را شایسته شرح کلام علوی یافتیم به پارسی برگردانیم. امید است مفید افتد!

محمودرضا افتخارزاده

تهران - ۲۸ مهرماه ۱۳۸۳ خورشیدی